





معاونت آموزش متوسطه

کارشناسی تکنولوژی و گروه های آموزشی

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه

نگارش پایه هشتم

درس پنجم (لمس کنیم، ببوییم، بچشیم و بنویسیم)

مدرس: ولی کیانی پور

سال تحصیلی:

۱۳۹۹ - ۱۴۰۰

نگارش پایه هشتم

درس پنجم:

لمس کنیم، ببوییم، بچشیم و بنویسیم.

چکیده درس پنجم:

هرکدام از حس ها، در ما، فکرها، احساس ها و حال و هوایی ایجاد می کنند و بهانه ای برای پرورش ذهن و تقویت نوشتن می شوند.

تاکنون آموختیم، چشم و گوش، دو پنجره خدادادی هستند. با چشم بینا و گوش شنوا می توانیم، جهان اطرافمان را بهتر و بیشتر بشناسیم و درک کنیم.

اکنون می خواهیم پنجره های دیگر ذهن را بشناسیم، آنها را بگشاییم تا نور بیشتری به خانه ذهن ما بتابد. « لمس کردن »، « بوییدن » و « چشیدن » هم سه تا از راه های پرورش ذهن هستند که مثل دیدن و شنیدن، به ما کمک می کنند تا بهتر درک کنیم و دقیق تر بنویسیم.



نمونه هایی از راه های پرورش ذهن:

(لمس کنیم، ببینیم، بچشیم و بنویسیم)

... عمه کوری، کوری را با بچه شتر تنها گذاشت تا نوازشش کند. شتر کوچک به کوری نگاه کرد و لب هایش را تکان داد.

کوری با خود فکر کرد: لب ها جمع، لب ها کشیده؛ یعنی « کوری ». عجب، اسم مرا می داند! کوری خندید و سر او را در آغوش گرفت. سرش گرم و نرم بود. کوری اسم بچه شتر را « شکلاتی » گذاشت. چون رنگ و نرمی شتر، او را به یاد شکلات هایی می انداخت که توی کاغذهایی برآق پیچیده شده بودند و طعم شیرینی داشتند.

حرف های شکلاتی

در متن بالا، سه حس دیدن، لمس کردن و چشیدن برجسته است. نویسنده به کمک این سه حس، توانسته احساس یک کودک به بچه شتری که تازه به دنیا آمده را به خوبی نشان دهد. شما هم با بهره گیری از این حواس، می توانید نوشته های خوبی بیافرینید.

در متن زیر هم که از زبان « هلن کلر » زن نایبنا، بیان شده، تأثیر حس لامسه را می بینیم.

روزی معلّم، مرا به گردش برد و دستم را زیر شیر آب قرار داد. همان طور که مایع خنک، روی دستم می ریخت، کلمه « آب » را روی دست دیگرم هجی کرد. از آن زمان، حس کردم که از تاریکی و بی خبری بیرون آمده ام و رفته رفته همه چیز را در روشنایی خاصی می بینم.

داستان زندگی من

فعالیت های نگارشی درس پنجم

« فعالیت شماره ۳ »

یکی از نوشته های تمرین ۲ را انتخاب و آن را بررسی و نقد کنید: سنجه های ارزیابی: (۱) داشتن پیش نویس؛

(۲) داشتن پاک نویس (رعایت نشانه های نگارشی، نداشتن غلط املائی، توجه به درست نویسی و حاشیه گذاری)؛

(۳) رعایت طبقه بندی ذهن و نوشته (آغاز، میانه و پایان)؛

(۴) انتقال دقیق حسّ چشایی، بویایی و لامسه؛
(۵) شیوه خواندن.

« فعالیت شماره ۲ »

موضوع های زیر چه حسّ و حالی به شما می دهد؟ یکی را انتخاب کنید و حسّ و حال خود را درباره آن، بیان کنید.

بوی خاک پس از بارش باران
طعم بستنی یخی
بوی سیر

طعم خورشت قورمه سبزی
برداشتن یک ظرف داغ
طعم لبوی داغ در یک روز برفی
حمل یک قالب یخ بدون دستکش

« فعالیت شماره ۱ »

متن زیر را بخوانید و مشخص کنید که نویسنده در کدام بخش، تحت تأثیر قوه چشایی، بویایی و لامسه خود قرار گرفته است.

« فعالیت نگارشی شماره ۱ »

متن زیر را بخوانید و مشخص کنید که نویسنده در کدام بخش، تحت تأثیر قوه چشایی، بویایی و لامسه خود قرار گرفته است.

... دلم بیشتر از همیشه گرفته بود. شکم قاروقور می کرد و کتلت مچاله، توی دستم باد کرده بود. زورم گرفته بود که مثل بقیه نمی توانم لقمه ای بخورم. دلم می خواست همین جوری که مزه خیارشور زیر دندان هایم جا خوش می کرد و روغن کتلت لبم را لیز می کرد، به هیچ چیز فکر نکنم، به هیچ چیز مسخره ای که اشتهایم را کور کند. کتلت، مثل بچه گنجشک مرده ای، روی دستم مانده بود.

توی سروصدای مسخره خنده بچه ها، جمله جادویی جان گرفت: « وقتی داری از ناراحتی می ترکی، سه تا سوت بزنی! » ... بی اختیار زبانم را چسباندم به پشت دندان هایم و انگشت کوچکم را گذاشتم توی دهانم.

اولین سوت: بچه ها سر جایشان میخکوب شدند.

دومین سوت: همه به طرفم آمدند، حتی ناظم.

سومین سوت: پشت گردنم توی دست ناظم بود.

جای شما خالی! همین طور که گردنم توی دست ناظم بود، مثل ببرهای آفریقایی، توی سه سوت، ساندویچم را بلعیدم. اشتهایم حسابی باز شده بود. برای اولین بار مزه غذا بدون اشک و گریه زیر دندان هایم رفته بود...

سه سوت جادویی، اکبرپور

کتلت مچاله، توی دستم باد کرده بود. ← **حس لامسه**

دلم می خواست همین جوری که مزه خیارشور زیر دندان هایم جا خوش می کرد و روغن کتلت لبم را لیز می کرد، به هیچ

چیز فکر نکنم. ← **حس چشایی**

کتلت، مثل بچه گنجشک مرده ای، روی دستم مانده بود. ← **حس لامسه**

پشت گردنم توی دست ناظم بود. ← **حس لامسه**

برای اولین بار مزه غذا بدون اشک و گریه زیر دندان هایم رفته بود ... ← **حس چشایی**

درست نویسی



دانش آموز، نتیجه آزمایش های علوم را برای معلم بیان کرد.

دانش آموز، نتیجه آزمایشات علوم را برای معلم بیان کرد.

جمله اول، درست است. « آزمایش » یک واژه فارسی است و با نشانه فارسی « ها » جمع بسته می شود. کلماتی چون « **گرایش، پیشنهاد، گزارش، فرمایش** » فارسی هستند و بهتر است در کاربرد آنها به این نکته توجه کنیم.

جمله های زیر را ویرایش کنید:

گزارشات زیادی از توانایی نویسندگی دانش آموزان به دست ما رسیده است.

گزارش های زیادی از توانایی نویسندگی دانش آموزان به دست ما رسیده است.

در شهر شیراز، باغات زیبایی پر از درخت نارنج، وجود دارد.

در شهر شیراز، باغ های زیبایی پر از درخت نارنج، وجود دارد.

حکایت نگاری

حکایت زیر را به زبان ساده امروز، بازنویسی کنید.

حاکمی، دو گوشش ناشنوا شد. مداوای طبیبان هم اثری نکرد. حاکم از این پیشامد که باعث شد او دیگر صدای هیچ مظلومی را نشنود، بسیار ناراحت بود و نمی دانست چه کند. روزی شخص دانایی، نزدش رفت و با اشاره و به کمک نوشتن به او گفت: ای سلطان، چرا غمگین هستید؟ شما یکی از حسی های خود را از دست داده اید، خداوند به شما حواس دیگر هم داده است که سالم اند، آن ها را به کار بگیر. حاکم، کمی اندیشید و گفت: ای حکیم، راست می گویی، من از نعمت های دیگر غافل بوده ام.

(جامی)

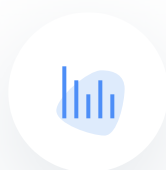
متن بازنویسی شده دانش آموز

سلامت و شاداب باشید!



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد